



## «دائرة المعارف اطلاعات و امنیت»

### در آثار و متون اسلامی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۵/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۶/۱

نجمه کیخا\*\*

«دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی» کتابی دربردارنده مجموعه‌ای از آیات و روایات درباره امنیت و اطلاعات است. این مجموعه در سه جلد تدوین شده است. نویسنده در بیان علت نگارش کتاب آورده است که موضوعات مهم زیادی مانند اطلاعات و امنیت وجود دارد که محققین تا امروز به آنها نپرداخته‌اند. این در حالی است که آنها در این مرحله از رشد حکومت اسلامی و افزایش حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام دارای اهمیت بسیاری هستند. تنوع و پراکندگی‌های بسیاری در کتاب‌های حدیثی وجود دارد و کسی نیست که اقدام به جمع‌آوری، مرتب و تنظیم نمودن آثار و متون اسلامی کند. ضرورت مشخص شدن چهارچوب تحقیق در مورد این مسائل و ارائه نمونه‌هایی از متون نظری و عملی مربوط به آنها سبب شده است تا وی به نگارش اثر حاضر اقدام

\*. مشخصات کتاب شناختی این اثر عبارت است از: علی دهموش عاملی، (با نظارت سید جعفر مرتضی عاملی)، دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه: غلامحسین باقری مهبیاری و رضا گرمابدری، سه مجلد، تهران: دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۹.

\*\* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

کند.

به گفته نویسنده، «این کتاب مهم‌ترین آثار و متون قرآنی و روایی و تاریخی را که یا به صورت مستقیم در کار اطلاعات و امنیت و مسائل آنها و امور مربوط به آنها دخیل است و یا این که می‌شود از آنها در این زمینه‌ها به گونه‌ای استفاده کرد، عرضه می‌دارد. این کتاب اصلی را بنا نهاده است تا مدخلی باشد برای تحقیق پیرامون امور فقهی، تاریخی و برنامه‌ریزی برای مسائل تجسسی و مراقبتی و امنیتی و ضد جاسوسی و آن چه در ارتباط با آنها می‌باشد از قبیل: روش‌ها و پرداختن‌ها و توجهات عملی».

در تنظیم این کتاب مراحل زیر انجام شده است:

۱. گردآوری آیات قرآن کریم و احادیث شریف و وقایع عملی تاریخی که در عصر پیامبر و ائمه و با راهنمایی آنها انجام پذیرفته بود؛
۲. بررسی این متون و تلاش در جهت استفاده از مضامین و اشارات مقدماتی آنها نسبت به مطالب مورد نیاز؛
۳. تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی و مرتب ساختن مطالب بر اساس استفاده مورد نیاز.

نویسنده کتاب کوشیده تا اخبار، اقوال و وقایع تاریخی را همان گونه که در منابع اصلی است، ذکر نماید؛ به این معنا که تمام اسناد، الفاظ و مضامین آنها بدون هیچ نوع دخل و تصرفی آمده است تا محققین قادر باشند جمیع جوانب را مورد بررسی قرار دهند و آنها را تحت معیارهای فنی و مسائل تاریخی، مورد تحلیل و بررسی قرار دهند. از آن رو که مقصود از تألیف کتاب، تنها ارائه مواد خام برای اهل تخصص بوده است تا آنها عهده‌دار ادامه بحث و اخذ نتیجه باشند، نویسنده عقیده دارد که به بحث سندیت، مقایسه متون و دیگر الزامات پژوهشی مطرح در مسائل فقهی توجه زیادی نشده است. بنابراین، کتاب برای صدور احکام فقهی و قابل اجرا کفایت نمی‌کند و در مسائل فقهی باید به نظر مراجع تقلید و کارشناسان مراجعه شود.

نویسنده کار خود را در باب اطلاعات و امنیت از مسائلی آغاز کرده است که اغلب در زمره توصیه‌های اخلاقی و فردی به شمار می‌آید؛ هم‌چون غیبت، تهمت، تجسس و امثال آن. اما مطالعه این موارد نشان می‌دهد که این امور ارتباط زیادی با مسائل اجتماعی می‌یابند. به نوعی می‌توان گفت در حکم اصول اولیه و دستمایه کارهای امنیتی و اطلاعاتی به شمار می‌روند. از این رو آشنایی با این موارد ضرورت دارد و نویسنده نیز به خوبی نسبت به اهمیت این مباحث و مسائل آگاه بوده است. برای مثال تجسس در بسیاری آیات و روایات، حرام و ناروا دانسته شده است؛ در حالی که به نظر می‌رسد این امر از جمله نخستین مراحل کارهای اطلاعاتی و امنیتی به شمار می‌رود. آگاه شدن از چگونگی

این کار و جواز یا عدم جواز آن به نحوی که منجر به گناه نگردد، بحثی با اهمیت و خواندنی در این حوزه است.

برای نمایش چگونگی پرداختن نویسنده به مباحث کتاب، به شیوه وی در بحث تجسس اشاره می‌شود.

در ابتدا آیه‌ای از قرآن در این باب ذکر شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، زیرا که برخی از گمان‌ها گناه است؛ و از احوال درونی هم‌دیگر تجسس نکنید و از یک‌دیگر غیبت نکنید، آیا دوست می‌دارید که گوشت مرده برادر خود را بخورید؟ البته که از چنین کاری بیزار می‌باشید، از خدا بترسید، خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است»<sup>۱</sup>.

سپس احادیث فراوانی از صحیح بخاری، تحف العقول، اصول کافی، مستدرک الوسائل و... ذکر شده است. برای مثال روایتی از امام صادق (ع) می‌فرماید: «دورترین حالت بنده نسبت به خداوند این است که فردی در حق دیگری برادری کند در حالی که او لغزش‌های وی را به خاطر سپارد تا روزی به سبب این لغزش‌ها او را سرزنش کند»<sup>۲</sup>.

احادیث دیگر در این باب و نیز احادیث مشابه حدیث فوق به نقل از روایان و کتب حدیثی مختلف ذکر شده، سپس دیدگاه کلی بیان شده است. در این قسمت اشاره شده که چون انسان دارای شأن و حرمت است، نباید حرمت دیگران را خدشه‌دار نمود. مبدأ اجتماعی رفتار و روابط بر دو پایه استوار است: احترام به حقوق دیگران و عدم تجاوز به حریم مردم از طریق جست و جو در عیوب و اسرار پوشیده و امور شخصی آنان. اما به اعتقاد نویسنده کتاب، مسئله تفتیش و جست و جو در کنار اصل با اهمیت دیگری به نام اصل مصلحت نظام قرار دارد. به جهت اهمیت قانون مصلحت، در هر جا که این دو اصل با یک‌دیگر تراحم نمودند، اصل مصلحت، مقدم می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد که منع تجسس قاعده‌ای عام نیست و استثناهایی نیز دارد. از جمله قیود این اصل عبارت است از:

۱. ممنوعیت تجسس از مسلمانان به گونه‌ای که ممنوعیت شامل غیر مسلمانان نمی‌شود؛
۲. ایمان به معنای خاص؛ یعنی روایاتی که در آنها از تجسس لغزش مؤمنان نهی شده است، تنها گروه خاصی از مسلمانان را دربر می‌گیرد؛
۳. برخی قیود ذکر شده در برخی اسناد مانند صحیح ابن ابی یعفور، از جمله این قیود است که می‌گوید تجسس زمانی حرام است که مردم از آشکار شدن آنها جلوگیری کنند و سعی در پوشیده ماندن آنها داشته باشند. در غیر این صورت جست و جو حرام نیست؛

۴. بسیاری از احادیث بیان‌گر این هستند که نهی جست و جو تنها به بخش منفی مسائل دیگران مربوط است و از همین رو جست و جو به منظور آشنا شدن با صفات نیک و در راستای شناخت و



توانایی و فضیلت افراد، به قصد به کارگیری آنها و مسئولیت دادن به آنها در زمینه‌های خاص در جامعه و دولت مانعی ندارد؛

۵. گاه منع تجسس در مورد مطلق عیوب و اسرار نیست، بلکه در مورد عیوب و اسرار شخصی افراد است که به مصالح نظام و جامعه ارتباطی ندارد؛

۶. تنها تجسسی مورد نهی است که با اهداف فاسد و برای بی‌اعتبار کردن، سرزنش و نکوهش افراد انجام می‌شود. اما اگر اهداف عقلانی و شرعی در میان باشد و به ویژه در جهت حفظ نظام و جامعه اسلامی و حمایت از آنها در برابر توطئه‌ها، تجسس صورت گیرد، در برخی موارد این گونه تجسس واجب هم می‌شود.

نویسنده، سیاق فوق را در خصوص سایر مباحث کتاب نیز رعایت کرده است. از دیگر مواردی که به آنها پرداخته عبارتند از: تهمت، وجوب نادیده گرفتن لغزش دیگران، فاش ساختن عیب‌ها، فاش کردن اسرار دیگران، غیبت، سخن چینی و بدگویی، توهین و بدرفتاری نسبت به دیگران.

در بخش دوم به عناوین رهبری و نظام، خیرخواهی برای امام و امت، شناخت زمانه و اهل آن و هوشیاری و احتیاط توجه شده است. در این بخش بی‌آن که توضیحی در خصوص اهداف و چگونگی فصول آن داده شود، به ذکر احادیثی در هر باب بسنده شده است. برای مثال در بحث رهبری و نظام، احادیث، اغلب در خصوص نیاز به رهبری و نقش آن در انسجام امت، تثبیت نظام و امنیت و حفظ نظام است. در دیدگاه کلی انتهای این قسمت به این مطلب اشاره شده که با توجه به ضرورت وجود حکومت و رهبر برای جامعه و با توجه به این که رهبر وظایفی مانند تثبیت حکومت و حمایت و حفاظت از آن، ایجاد امنیت در داخل و خارج، حفظ شریعت، تحقق عدالت اجتماعی و امثال آن را عهده‌دار است، فراهم آوردن امنیت نیازمند تجهیزات امنیتی است تا به مقابله با دشمن بپردازد و مراقب و مواظب عناصر مخرب و جنایتکار در داخل و خارج جامعه باشد.

بخش سوم اثر حاضر مشتمل بر چهار فصل است. آن طور که از عناوین فصول برمی‌آید، این فصول در خصوص چگونگی کسب اطلاعات از دشمن است. مشروعیت جمع‌آوری اطلاعات از دشمن غیر مسلمان، اهداف و آمادگی دشمن، جاسوسی، شناسایی، کمین و مراقبت و وظایف سازمانی نیروهای شناسایی از جمله فصول این بخش است.

بخش چهارم به مباحثی مانند چگونگی جاسوسی در کشور غیر مسلمان، جمع‌آوری اطلاعات، ترور دشمنان اسلام، عملیات تخریب، جنگ روانی، گروگان‌گیری و نیرنگ می‌پردازد.

جلد دوم کتاب در ادامه مباحث گذشته و در بخش پنجم عهده‌دار فصولی است که در آن جمع‌آوری اطلاعات را مورد توجه قرار می‌دهد. این کار در سطح داخلی مورد توجه است. برخی علل و اسباب

بازرسی و نظارت که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است، عبارتند از: اظهار مخالفت با امام و رهبر، متهم بودن به فراهم آوردن مقدمات شورش، رعب و وحشت از حالت‌های خرابکارانه، ارتباط با مجرمان و محکومین و بسنده کردن به اطلاعات رسیده جهت اجرای تحقیق و نظارت.

هم‌چنین در این قسمت به برخی اقدامات حکومت اسلامی برای کنترل و نظارت گروه‌های سیاسی و عقیدتی مخالف خود نیز اشاره دارد. برای مثال روایاتی از رفتار امام علی (ع) در برابر خربت بن راشد که از آن حضرت جدا شد و به کوفه گریخت، ذکر شده است. امام خطاب به کارگزارش، عبدالله بن عیین، در کوفه در نامه‌ای درخواست نمود تا وی درباره افرادی که زیر دست او هستند و از کوفه گریخته‌اند تحقیق کند و در مناطق مختلف جاسوس بگمارد و حضرت را در جریان امر قرار دهد. کارگزار امام پس از کسب اطلاعاتی در این زمینه خدمت امام رسید و وی را باخبر نمود. امام از او خواست که خربت را آزاد کند و به رغم درخواست عبدالله برای دستگیری وی فرمود: اگر هر کسی را به این اتهام و مانند آن دستگیر کنیم، زندان‌های ما پر از زندانی خواهد شد، نیازی نمی‌بینم که بدون دلیل به مردم فشار وارد کنیم و یا آنها را به حبس محکوم کنم و نیز آنها را بخواهم مجازات کنم، مگر این که مخالفت آنها به طور آشکار برای من معلوم شود.<sup>۳</sup>

در ادامه این بخش، زمینه‌های مراقبت و نظارت، شناخت مردم، وسایل مورد نیاز در جمع‌آوری اطلاعات که عبارتند از: کارشناسان، بازرسان و سرپرستان، نظارت بر دستگاه‌های اداری، بازرسی در امور قضایی، نیروهای انتظامی، امور نظامیان و بازار مورد توجه قرار گرفته و خصوصیات و شرایط این افراد بیان شده است.

ششمین بخش به تحقیقات، همانند تحقیق و شناسایی مجرمین، تهدید و ترساندن، آزمودن و امثال آن اختصاص دارد. آن گونه که از عناوین برمی‌آید، تحقیق، به امور پس از انجام جرم یا رخداد اتفاقی اطلاق می‌گردد. تعدد محققین، پرسش و پاسخ، تخلیه اطلاعات، ایجاد توهم به هنگام تحقیق، تظاهر به دانستن حقیقت، تحت فشار قرار دادن، تکیه بر بررسی و تجزیه و تحلیل‌های پزشکی، تجربی و علمی و مخفی نگاه داشتن نتایج منفی تحقیقات از دیگران از مسائلی است که در تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، پیامبر به دبیران و کاتبان خود دستور می‌داد تا نام و اسامی افرادی را که باید درباره آنها تحقیق شود و یا موضوعات و حوادثی را که درباره زندگی آنها رخ داده است بررسی کرده و گزارش جامعی به عمل آید و آن را یادداشت کنند. علی (ع) در این باره می‌فرماید: ... سپس اسامی شاکی و شکایت‌کننده و شهود را بنویسید و نیز گفته‌های شاهدانی را که شهادت می‌دهند ثبت و یادداشت کنید. نویسنده کتاب با توجه به روایاتی که ذکر می‌کند نتیجه می‌گیرد که اگر برای شخصی جداگانه و مخصوص تشکیل پرونده شود و تمام اطلاعات فردی



ضروری در مورد شرح حال و خصوصیات فردی و زندگی مربوط به او درج گردد، اشکالی نخواهد داشت.

رخنه کردن و نفوذ در دستگاه‌های کفر و الحاد، تقیه و احتیاط، توجیهات و رهنمودهای عملیاتی، آموزش‌های کاربردی و عملی برای نیروهای اطلاعاتی در بخش هفتم اثر مذکور مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به این که وارد شدن در سازمان‌ها و نهادهای حکومت متجاوز و ستم‌گر حرام است، اما روایات نشان می‌دهد که این حرمت اطلاق ندارد و گاه می‌شود به صورت مشروط به انجام این کار مبادرت شود. از جمله این موارد زمانی است که اهداف زیر در آن مستتر باشد: یاری رساندن به مؤمنان و کمک به آنها، جلوگیری از رسیدن خسارت به مؤمنین و آزادی اسیران آنها، تکمیل اطلاعات امنیتی و حفاظتی، خنثی کردن توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان داخلی، خرابکاری در درون تشکیلات دشمن. برای مثال روایتی است که یکی از یاران حضرت در مورد نفوذ در تشکیلات حاکمان ستم‌گر برای فراهم آوردن زمینه‌هایی که دشمن را از انجام اقداماتی باز دارد، نامه نوشت و حضرت در جواب او می‌نویسد که هر کس چنین هدفی داشته باشد نفوذش کار حرامی به حساب نمی‌آید.<sup>۴</sup>

تقیه و احتیاط، پوشاندن ایمان و عقیده، تغییر شکل دادن، دروغ گفتن در چهارچوب عملیات اطلاعاتی مثل منتسب کردن خود به دشمن و اظهار دوستی و خیرخواهی نسبت به آنان و یا به توریه سخن گفتن از جمله مباحث دیگری است که در این بخش مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه عملیات‌های اطلاعاتی و سری، نگارنده با توجه به روایات موجود نتیجه می‌گیرد که معصومین علیهم‌السلام دو نوع آموزش را تعلیم می‌دادند. نوع اول آموزش‌های عمومی بود که نیروها در تمامی مراحل و شرایط آنها را دقیقاً اجرا می‌کردند؛ همانند تحقیق درباره‌ی اطلاعات صحیح، شناخت پیدا کردن به وسیله اخبار و اطلاعات، رها نکردن منطقه مأموریت جز به دستور فرمانده، مخفی کردن اطلاعات از همگان و ضرورت رسانیدن اطلاعات به فرماندهی. اما دسته دیگر آموزش‌ها که آموزش‌های خاص بودند عبارت بودند از: سرپوش گذاردن بر روی هویت فردی، پاسخ ندادن جهت جلوگیری از تحریک دیگران، استفاده از زیرکی و هوشیاری به هنگام اجرای مأموریت، دخالت نکردن در اموری که از محدوده مأموریت محوله بیرون است، اقدام نکردن به کارهایی که دشمن را تحریک می‌کند، تکیه به هوش و حافظه و یادداشت نکردن اطلاعات، سوزاندن نامه‌ها و مدارک محرمانه، ممنوعیت سوزاندن مدارکی که در آنها آیات قرآن وجود داشته باشد، انتخاب محل مناسب برای سخن گفتن و انتخاب مکان‌های مخفی برای اجتماعات و ایجاد معاברי در مراکز اجتماعات به نحوی که معابری مخفی در نظر گرفته شود تا افراد دشمن در ورود و خروج به آن دچار سرگردانی شوند

و از محل اجتماعات مطلع نگردد. حضرت علی(ع) در نامه‌ای به یکی از طلایه‌داران لشکر خود در جنگ صفین نوشت: بدانید که پیش قراولان هر ملت و امتی دیده‌بانان و جاسوسان آنها هستند... شما دو نفر وقتی از سرزمین خود بیرون می‌روید از راهنمایی‌ها و آموزش‌های نیروهای طلایه‌دار خود خسته نشوید و از مسیرهای موجود در کوه‌ها و درختان و پوشش‌های دیگر در هر کجا که دیدید غافل نشوید و مراقب دشمن خود باشید تا مبادا یورش برد و یا برای شما کمین بگذارد...<sup>۵</sup>

جلد سوم دایرة المعارف مذکور به موارد و امور جزئی‌تری در مسائل و امور اطلاعاتی و امنیتی می‌پردازد. مراحل و وسایل جمع‌آوری اطلاعات در این جلد مورد توجه قرار گرفته است که برخی از آنها عبارتند از: جاسوسان، پیش قراولان سپاه، نیروهای نفوذی در سرزمین دشمن، راهنمایان و بلدچیان، بازرسان و صاحب‌نظران، اسرای جنگی، اطلاعاتی‌های داوطلب، عموم مردم و... .

در خصوص کیفیت و چگونگی اطلاعات نیز به مواردی اشاره شده است مانند: پرسش، استراق سمع، ردیابی و دست‌یابی به اهداف دشمن از طریق حرکات عادی. برای مثال پیامبر اکرم ﷺ پس از پایان جنگ احد، امام علی(ع) را به منطقه‌ای فرستاد و فرمود به دنبال آن مرد برو و آنها را زیر نظر بگیر و ببین هدفشان از این کار چیست، اگر اسبان را رها کرده و مرکب خود را شتر گزیدند بدان که می‌خواهند به طرف مکه بروند، اما اگر مرکب‌های خود را از اسبان انتخاب کردند و شتران را رها کردند بدان که آنها به شهر مدینه خواهند رفت.<sup>۶</sup>

علائم و صفات شناسایی مردم که در این جلد مورد توجه قرار گرفته است، جنبه‌ای بسیار عام دارند. به گونه‌ای که نه تنها برای کارهای امنیتی بلکه برای تمامی اقشار جامعه و مردم عادی نیز مشترک می‌باشد، مانند صفاتی که برای شیعه ذکر می‌گردد و یا نشانه‌هایی که ائمه در مورد شناخت گروه‌های مختلف مردم بیان نموده‌اند.

نحوه انتقال اطلاعات، ارزشیابی و سنجش اطلاعات، اعتماد و تکیه کردن به اطلاعات، خصوصیات و شرایط عمومی مأموران امنیتی، حفاظت و امنیت وسیعی را دربر می‌گیرد که شامل حفاظت از مرزها، شهرها، وسایل نقلیه، ارتش، پادگان‌ها و اردوگاه‌ها، تجهیزات و سلاح و رهبران و فرماندهان می‌گردد. در این ارتباط کسانی که باید دستگیر و زندانی شوند عبارتند از: نیروهای فاسد و مجرم، آشکار کنندگان کارهای زشت و ناشایست، مخالفینی که بیم آن می‌رود تا مردم و جامعه را فاسد کنند، نیروهایی که سعی دارند به دشمن پناهنده شوند، جاسوسان دشمن، دستگیری افرادی که اسرار را برای دشمن فاش می‌سازند و حکم بازداشت برای کسی که در معرض اتهام است.



## برخی ملاحظات

کتاب فوق، چنان که ذکر شد، دایرة المعارف نسبتاً جامعی از مباحث اسلامی در حوزه اطلاعات است که می تواند به ویژه در انجام تحقیقات و پژوهش ها مورد استناد و توجه محققین قرار گیرد. کمبود منابع جامع و کامل در این زمینه، اهمیت اثر حاضر را افزون می سازد. با توجه به این مسئله که این اثر یک دایرة المعارف، به معنای بسیار عام و آزد به شمار می رود و نه یک کتاب و پژوهش علمی، نمی توان از مؤلف انتظار داشت که در مطالب دخل و تصرفی نماید و یا نظرات و مفروضات شخصی خویش را بر آن تحمیل نماید. نگاهی به چگونگی انجام این کار نیز این مسئله را در مورد اثر حاضر تأیید می نماید. نویسنده اثر تا جایی که امکان پذیر بوده، امانت را رعایت کرده است. با این حال نمی توان از چنین آثاری انتظار داشت که بدون هیچ روش و شیوه مشخصی در گردآوری اطلاعات، به انجام این کار بپردازند.

نگاهی به عناوین فصول و بخش ها و شیوه تقسیم بندی کتاب نشانگر آن است که به رغم تلاش جدی در جمع آوری اطلاعات و تکمیل مطالب، اما روش صحیح و جامعی برای طبقه بندی مطالب اتخاذ نگردیده است. برخی بخش های کتاب حتی از عنوان محروم بوده و مشخص نیست که فصول کتاب بر چه اساسی معین گردیده است. به ویژه این که بدون عنوان بخش و بدون هیچ مقدمه ای به ذکر روایات پرداخته شده است و خواننده نمی داند که این روایات در خصوص چه مسئله ای است و تازه در پایان فصل و ذکر دیدگاه کلی است که خواننده تا حدودی با چند و چون مطلب آشنا می شود و درمی یابد که مراد چه بوده و نویسنده چه غرضی برای طرح مطلب داشته است.

با این تفصیل اگر دیدگاه کلی در ابتدای فصل بیان می شد و احادیث و موارد تکمیلی در انتهای مطلب ذکر می گردید، بسیار مناسب تر و صائب تر بود و خواننده، بهره بهتری از مباحث می برد و زودتر به اصل مطلب دست می یافت. گرچه باز هم جای مقدمه ای در ابتدای فصل خالی خواهد بود.

مطلب دیگر که به نوعی در ادامه بحث قبلی است، عدم مشخص نمودن حوزه بحث از سوی مؤلف است. مناسب و شاید لازم و ضروری بود که مؤلف در ابتدای کتاب تعریفی از امنیت و اطلاعات و حوزه مورد نظر خود ارائه می داد. چنان که روشن است این حوزه، دایره بسیار گسترده ای را دربر می گیرد که پرداختن بدان اگر با چهارچوبی مشخص انجام نشود، به انسجام کار آسیب خواهد رساند. امروزه واژه امنیت، حوزه معنایی وسیعی پیدا کرده است که از امنیت شخصی و روانی تا امنیت اجتماعی و ملی و فراملی را دربر می گیرد. بحث اطلاعات نیز در کنار این بحث، مقوله مفصل و پردامنه ای است که حوزه های تخصصی خود را داراست و این مسئله، لزوم تعریف و مشخص نمودن حوزه مورد نظر را در این کتاب افزون تر می سازد.



---

با این همه نوع نگارش کتاب معین نمی‌سازد که آیا مؤلف در انجام این کار به دنبال کلیدواژه‌های خاصی بوده، و یا به دنبال مفاهیم و مضامینی که به نحوی در ارتباط با امنیت بوده است. این مسئله، چیش مطالب از سوی وی را با مشکل مواجه ساخته است، به نحوی که برخی مطالب مانند بحث جاسوسی در هر سه جلد و در بخش‌های مختلف طرح شده و گاه به همین بحث با عنوان دیگری پرداخته شده است، بدون آن که نویسنده در جایی میان این مباحث ارتباطی برقرار نموده باشد. یا گستردگی مباحث به گونه‌ای است که گویی در برخی مباحث میان امنیت در زمان جنگ و صلح تفاوتی قائل نشده و یا در برخی مباحث که سعی در ارائه راهکارهایی به نیروهای امنیتی برای کسب اطلاعات بوده است، شرایط بسیار عامی مطرح گردیده است که برای عموم مردم مطرح می‌باشد و نه نیروهای امنیتی.

## پی نوشت‌ها

۱. حجرات (۴۹)، آیه ۱۲.
۲. اصول کافی، ج ۵، ص ۳۵۵.
۳. همان، ج ۲، ص ۱۷ - ۱۸.
۴. همان، ج ۲، ص ۳۱۵.
۵. همان، ص ۴۱۲.
۶. همان، ج ۳، ص ۸۲.



سال نهم / شماره سی و سوم / بهار ۸۵